

# ضرورت و روش تنقیح و اصلاح اصول فقه

عبدالحسین توده فلاح

۱۵۹۲۴۱۶

انتشارات مناره



انتشارات مناره  
MENAREH PUBLICATIONS

سرشناسه: توده فلاح، عبدالحسین، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: ضرورت و روش تنقیح و اصلاح اصول فقه در بازگشت به مبانی قدمای  
موسس: ابوالقاسم علی بن الحسین سیدرضی<sup>(ره)</sup>، شیخ الطایفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی<sup>(ره)</sup> و در  
پرتو آای و اندیشه های حکیم الهی، اصولی مدقق و مفسر کبیر قرآن آیت الله علامه  
سیده مدحین طباطبایی / عبدالحسین توده فلاح.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مناره، ۱۳۹۷.

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۶۱۰-۰۰۰۷

رده بندی دیویی: ۹۷/۲

رده بندی کنگره: ۲۹۷ / ۴ ض ۹ / ت ۹ / BP۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۵

---

**عنوان:** ضرورت و روش تنقیح و اصلاح اصول فقه

---

**مؤلف:** عبدالحسین توده فلاح

---

**ناشر:** انتشارات مناره

---

**تاریخ نشر:** ۱۳۹۷

---

**نوبت چاپ:** اول

---

**شمارگان:** ۱۰۰۰

---

**قیمت:** ۱۸۰۰۰۰ ریال

---

**تلفن مرکز پخش:** ۰۲۱-۵۵۶۵۱۶۵۳/۰۹۱۲۵۲۴۲۲۷۴

---

[www.menarehpub.com](http://www.menarehpub.com)

## فهرست مطالب

|         |                                       |
|---------|---------------------------------------|
| ۱۳..... | دیباچه.....                           |
| ۱۷..... | ضرورت تنقیح و احاطه علم اصول فقه..... |
| ۲۱..... | منابع تنقیح.....                      |
| ۲۳..... | تذکرات لازم.....                      |

## تبیین کاستی‌ها و اشکالات موجود در «اصول فقه رسمی»

|         |                                                                                                  |
|---------|--------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۹..... | نقص اول: نبود ساختار صحیح و محکمی که جایگزین مسائل و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر را نشان دهد..... |
| ۳۳..... | وجود ساختار صحیح در اصول فقه قدما.....                                                           |
| ۳۷..... | نقص دوم: وجود مباحث و مسائل زائد و بیگانه.....                                                   |
| ۳۹..... | توجه سید مرتضی <small>رحمه الله</small> به این نکته.....                                         |
| ۴۳..... | نقص سوم: عدم تصویر دقیق و روشن صورت مسائل.....                                                   |
| ۴۵..... | نمونه اول: تجری.....                                                                             |
| ۴۸..... | نمونه دوم: «حقیقت شرعی».....                                                                     |
| ۵۰..... | نمونه سوم: «نهی از شرط عبادت».....                                                               |
| ۵۲..... | نمونه چهارم: «اجتماع امر و نهی».....                                                             |
| ۵۶..... | تصویر صحیح مسئله توسط سید مرتضی <small>رحمه الله</small> .....                                   |
| ۵۹..... | نقص چهارم: مسائل و اشکالات ساختگی و موهوم.....                                                   |
| ۵۹..... | اشکال چیست و چگونه در سیر تفکر پیش می‌آید؟.....                                                  |

- ۶۱..... نمونه اول: اشکال در دلالت کلمه طیه لا اله الا الله بر توحید.
- ۶۳..... نمونه دوم: «نهی از عبادت».
- ۶۶..... طرح صحیح صورت مسئله توسط سید مرتضی علیه السلام.
- ۶۸..... نمونه سوم: «مقدمات مفوته».
- ۷۱..... نمونه چهارم: «طهارات ثلاث».
- ۷۴..... نمونه پنجم: «حجیت اخبار با واسطه».
- ۷۷..... نمونه ششم: «اخذ علم در موضوع حکم».
- ۷۹..... نقص پنجم: عدم به کارگیری صحیح اصطلاحات (خلط - خرق - جعل).
- ۷۹..... اصطلاحات چیست و چگونه شکل می گیرد؟
- ۸۲..... نمونه اول: «فعلیت شرعی».
- ۸۵..... نمونه دوم: «حکم واقع».
- ۸۵..... نمونه سوم: «امثال».
- ۸۵..... نمونه چهارم: «جهت».
- ۸۵..... نمونه پنجم: «حرمت ذاتی».
- ۸۸..... نمونه ششم: «لقب».
- ۹۰..... نمونه هفتم: «معنای حرفی».
- ۹۶..... نمونه هشتم: «کلی عقلی».
- ۹۶..... نمونه نهم: «واجب غیری».
- ۱۰۰..... نمونه دهم: «عرض»، «عرضی»، «اعتباری»، «اضافی».
- ۱۰۳..... نمونه یازدهم: «علم اجمالی».
- ۱۰۴..... نمونه دوازدهم: «انصراف».
- ۱۰۸..... نقص ششم: استفاده از بیانات غیر فنی.
- ۱۰۸..... نمونه اول: «موضوع علم اصول».
- ۱۱۰..... نمونه دوم: «حقیقت وضع».
- ۱۱۱..... نمونه سوم: «اصولی بودن مسئله حجیت خبر».
- ۱۱۳..... نقص هفتم: خروج از اسلوب و روش تحقیق «علم اصول فقه».
- ۱۱۴..... نمونه اول: «تداخل عقوبت‌ها».
- ۱۱۵..... نمونه دوم: «فعل متجری به».
- ۱۱۸..... نمونه سوم: «اجتماع امر و نهی».
- ۱۲۳..... نقص هشتم: خلط مسائل اصول فقه با مسائل بیگانه.
- ۱۲۳..... نمونه اول: «اطلاق و تقیید» در «اصول فقه رسمی» و مقایسه آن با اصول فقه قدما.

|     |                                                                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۳۷ | نمونه دوم: «معنای نکره»                                                                             |
| ۱۴۴ | نقص نهم: خلط معلومات اعتباری با معلومات حقیقی                                                       |
| ۱۴۵ | مقایسه معلومات حقیقی و اعتباری با استفاده از فرمایشات علامه طباطبائی <small>رحمته الله علیه</small> |
| ۱۴۷ | نمونه اول: موضوع علم اصول فقه                                                                       |
| ۱۴۸ | نمونه دوم: تعریف علم اصول                                                                           |
| ۱۴۹ | نمونه سوم: بیع کلی فی الذمه                                                                         |
| ۱۵۲ | نقص دهم: ترسیم ثمرات ساختگی برای اصولی جلوه دادن مسائل زائد                                         |
| ۱۵۴ | نمونه اول: «ثمره نزاع در معنای نکره»                                                                |
| ۱۵۶ | نمونه دوم: «ثمره نزاع در مقدمه موصله»                                                               |
| ۱۵۹ | نقص یازدهم: فلسفی کردن بیجای بعضی از مسائل                                                          |
| ۱۵۹ | نمونه: «مشتق»                                                                                       |
| ۱۶۴ | نقص دوازدهم: خلط مسائل اصولی با یکدیگر و پیچیده کردن آنها                                           |
| ۱۶۴ | نمونه: «شرط متاخر»                                                                                  |
|     | نقص سیزدهم: دخالت در علوم دیگر طرح مطالب خلاف مسلمات و نادرست                                       |
| ۱۶۸ | که مورد پذیرش اصحاب علوم نیست                                                                       |
| ۱۶۸ | نمونه اول: «نه حقیقت نه مجاز»                                                                       |
| ۱۷۰ | نمونه دوم: «ال» تزیین                                                                               |
| ۱۷۱ | نمونه سوم: «علم جنس»                                                                                |
| ۱۷۵ | نقص چهاردهم: خلط مبادی با مسائل                                                                     |
| ۱۷۵ | بازشناسی مبادی از مسائل                                                                             |
| ۱۷۷ | ویژگی های گروه اول                                                                                  |
| ۱۷۹ | ویژگی های گروه دوم                                                                                  |
| ۱۸۱ | نمونه: «مقدمه واجب»                                                                                 |
| ۱۸۵ | روش تحقیق و تنقیح اصول فقه                                                                          |
| ۱۸۹ | نتایج و اهداف                                                                                       |
| ۱۹۱ | منابع                                                                                               |

## دیباچه

هر علم و دانش برای بررسی احکام یک موضوع و یا برای تأمین یک هدف تدوین گشته است. دانشمندان هر علم و فن، در پی تأمین هدف مورد نظر، مسائل و مباحث لازم را به ترتیبی از احکام آن موضوع (در علوم حقیقی و نظری) و یا آن هدف (در علوم عملی و اعتباری)، اقتضای یک به یک، عنوان کرده و مورد بررسی قرار می‌دهند.

سیر مطالعات در طول زمان، مسائل جدید را پیش رو قرار می‌دهد که ارتباط خاصی با دیگر مسائل دارد و باید در جایگاه صحیح خویش قرار گرفته و بررسی شود. از این رو هر مسئله‌ای به خوبی تصویر گشته و ارکان آن تبیین می‌شود و آنگاه با تکیه بر نتایج برگرفته از مسائل پیشین، به بررسی و تحقیق درباره‌اش پرداخته می‌شود.

از سوی دیگر، صاحبان علم با دقت و وسواس، حدود و تعاریف اصطلاحات را -که زاده طبیعی تحقیقات در هر فن و دانشی است- رعایت و صیانت می‌کنند، زیرا اصطلاحات، کلیدهای فهم دانش بوده و هرگونه تشویش و بی‌نظمی در به کار بردن آنها و یا تغییر در مفاد آنها، گفتگو و تبادل اندیشه را مختل می‌گرداند.

بدین ترتیب در طول مطالعات و تحقیقات اندیشمندان، مجموعه گسترده‌ای از

مسائل علمی فراهم می‌آید که همه با ترتیب و نظم بر محور یک موضوع و یا در پی یک هدف شکل گرفته و یک دانش و فن را می‌سازند، هر مسئله، جایی مشخص و ثمره‌ای معلوم دارد که از ابتدا پیش روی اندیشمند قرار می‌گیرد.

هرگز نباید اختلاف آراء و تضارب اندیشه‌ها، موجب تشویش در چارچوب علوم و اصل مسائل مطرح در آنها شده و موجب خلط و خرق اصطلاحات ویژه یک فن و دانش گردد؛ زیرا همه نظریه‌پردازی‌ها، نقدها و گفتگوها در همین چارچوب و برای تحقیق در همین مسائل بوده و براساس اصطلاحات پذیرفته شده‌ای است که در طول تدوین علم حاصل گرفته‌اند.

همچنین باید در تحقیق مسائل و نقد آنها همواره از روش و اسلوب خاصی که سنخ آن علم اقتضا می‌کند، پیرایه‌ای شود. چون هر مسئله‌ای دارای صورت روشن و واضحی است، و بدون وضوح و وحدت درونی هر یک از مسائل و تمایز آنها از یکدیگر مخدوش می‌گردد. بلکه ممکن است رأی و باطریه‌ای و یا حتی نقد و ایرادی دارای تصویری غامض و یا مبهم بوده و منظر گوینده رای دیگران به خوبی آشکار نشود و نیازمند توضیح بیشتر باشد، ولی ابهام و اجهال در اصل صورت مسئله بی‌معنا است، زیرا تا صورت مسئله مبهم و مجهول باشد، در وضع مسئله‌ای در کار نبوده و قابل بحث و بررسی نخواهد بود، چون ضرورتاً هر مسأله‌ای در سیر علمی تحقیق، در جایگاه مشخصی شکل گرفته و دارای ثمره‌ای معین و کاربرد مشخصی است و ارتباط ویژه‌ای با مسائل دیگر دارد. بنابر این قطعاً دارای صورت روشنی نیز می‌باشد.

این ضوابط فنی در همه علوم اسلامی موجود نیز، به نحو دقیقی رعایت شده است. از صرف و نحو گرفته تا حکمت و عرفان، همه و همه دارای چارچوبی محکم و نظامی منطقی هستند. به ندرت بتوان مطلبی بیرون از مسائل علم - حتی به مناسبتی موجه - و یا تقدم و تأخیری نا بجا در مسائل و یا اختلاف و تذبذب در تعریف یک اصطلاح و یا ابهام در تصویر اصل یک مسئله، در آنها یافت. و یا اختلاف در این که آیا مسئله‌ای جزء این علم هست یا خیر؟ و یا اگر هست ثمره‌ای دارد یا

ندارد؟ و اگر آری، آن ثمره چیست؟ هرگز در آنها مشاهده نمی‌شود.

به عنوان نمونه به علم نحو بنگرید چه متقن و زیبا از تعریف کلمه، ملاک وحدت کلمه و احکام عمومی آن آغاز نموده و سپس با تقسیم ابتدایی به اسم و فعل و حرف، احکام عمومی هر یک از اقسام و وجوه تمایز آن‌ها را بیان نموده، پس از آن به بیان احکام خاص هر یک از انواع آن سه قسم پرداخته و به ترتیب به تفریع مسائل می‌پردازد.

منطق را بنگرید چگونه از مسائل اساسی آغازین، شروع و به هدف نهایی که صناعات است می‌رسد.

آیا در تمامی این مسیر فقه با این همه گستردگی، مسائل غیرفقهی می‌یابید؟ یا از ابهام و اجمال بی‌صوابی مسائل گرفته تا طرح مسائل بی‌ثمر سراغی دارید؟ در این میان علم اسلام و فقه و روشنی دیگری داشته و در عین بالندگی و پیشرفت در تامین قواعد استنباط برای فهم، با مشکلات و اختلالاتی نیز همراه شده که ناشی از زاویه گرفتن از هدف و غرض تدوین آن و عدم رعایت ضوابط فنی است.